

حرف درشت

انواع قرص شادی آور



پوریا عالمی

تا آنجا که ما می‌دانیم، برای احساس شادی، چند راه در جهان وجود دارد:

۱- همه شرایط برای برابری حقوق زن و مرد و آرامش و آسایش و بهداشت و درمان و تحصیل و معاش و... مهیا و در بهترین شکل ممکن باشد و همه هم به زبان خارجی صحبت کنند و با هم شادی کنند و به شادی‌کردن هم کاری نداشته باشند که به این حالت می‌گویند خارج.

۲- برابری حقوق زن و مرد و آزادی‌های فردی وجود نداشته باشد، اما وضع مردان توپ باشد و زنان فقط توی ماهواره احساس شادی کنند، اما توی زندگی پشت فرمان هم نتوانند بنشینند که به این حالت می‌گویند عربستان.

۳- وضع یک نفر خیلی توپ باشد و دوروبری‌هایش مثل چی بدون تا به او آسیبی نرسد و آب توی دلش تکان نخورد و احساس شادی کند، منتها دوروبری‌ها آزادند آخر هفته لیش کنند تا وقتی برسد گوله بخورند که به این حالت می‌گویند کشورهای درحال توسعه.

۴- یک روش این است که هیشکی احساس خوشبختی نکند و همه در بدبختی هم شریک باشند تا یک نفر، به خصوص اون، احساس شادی بکند که به این حالت می‌گویند کره‌شمالی.

۵- هیشکی حق نداشته باشد احساس شادی کند و بگردند توی دنیا هرکی یا هرچا احساس شادی وجود داشت، به خودشان دینامیت ببندند و برونند طرف و اطرفیانش را منفجر کنند تا بعدا که منفجر شدند در مرگ احساس شادی عمیقی داشته باشند که به این حالت می‌گویند طالبان.

۶- یک روش این است که مردم احساس شادی نکنند، اما فیلم‌های شاد بسازند و مردم جهان با تماشا فیلم‌های شاد کنند که مردم آن فیلم‌ها خیلی شاد هستند که به این حالت می‌گویند هند.

۷- یک روش هم این است که آدم‌ها قرص شادی آور مصرف می‌کنند تا احساس شادی کنند که به ما ربطی ندارد.

۸- یک حالت هم این است که مشکلاتمان را فراموش کنیم و بنشینیم حرف‌های آقای روحانی را وقتی درباره وضعیت صحبت می‌کند، گوش کنیم و احساس شادی کامل کنیم.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۹ شهریور ۱۳۹۶ • ۹ ذیحجه ۱۴۳۸ • ۳۱ آگوست ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۵۱ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۱۹:۵۲ • اذان صبح فردا ۵:۰۹ • طلوع آفتاب ۶:۲۶

روزنامه‌فرو

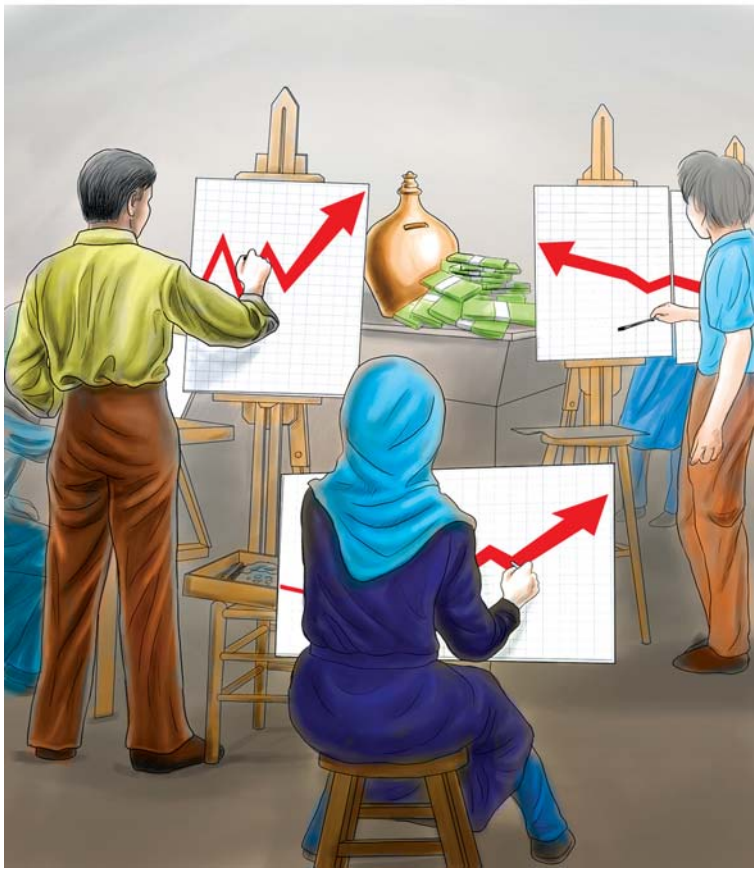
fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



جلال پیرمرزآباد

جهانگیری: مهم ترین هنر دولت این است که بخش خصوصی را در تصمیم گیری ها مشارکت دهد.



یادآر

به یاد هفتادوشمین سال تولد گل آقا

سایه-آفتاب

مردم می‌کرد و نه سینه‌چاک نظریه رای اکثریت می‌شد. نه ردای قهرمانی مخالفت با دولت را می‌پوشید و نه از نیش و نوش به چپ و راست کوتاه می‌آمد. حتی در مدیریت مؤسسه گل آقا هم همین رویه را داشت؛ نه از مشکلات و مسائل همکارانش غافل بود، نه آن قدر ادای مهربانی را درمی‌آورد که ساده‌دل گمانش کنند. حتی خود هفته‌نامه گل آقا را هم به همین سبب می‌گرداند. وقتی شش‌هفتاد و یک سالگی از او پرسیدند که چرا در آن زمان دارم دوتا دندان لق، می‌زنم تا زنده هستم حرف حق» به می‌زنم



به یاد هفتادوشمین سال تولد گل آقا

نمی‌گویم، یک طورهایی گفته بود.

برای حرف‌زدن از چنین مردی، باید از روز تولدش حرف زد؛ نه یک روز تولد، بلکه ده‌ها تولدی که در سال‌های زندگی‌اش تجربه کرد. خودش تا وقتی زنده بود، بسا زنده نگاهمان کرد و از تولدهایش برایمان تکلف، گرچه یک طورهایی هم گفت!

یادداشت

پیام روز عرفه



حسین انصاری‌راد

نهم ذیحجه یکی از مهم‌ترین روزهای تاریخ بشر و خصوصا بنیاد فرهنگی اسلام و تشیع است. این روز را اگرچه روز عید نخوانده‌اند، اما برای ما شیعیان به‌خاطر آن حرکت تاریخی امام سوم شیعیان از مکه به کربلا، بسیار حائز اهمیت است و نقش بسزایی در فرهنگ شیعی و مبارزه با ظلم دارد. دعای امام حسین (ع) در این روز را از همین‌جا به تمام هم‌میهن‌انم توصیه می‌کنم و معتقدم که این دعا می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین رهنمودهای بندگی در برابر خدا و شناخت جایگاه انسان باشد.

با چنین پیشسوازی، رفتن به سمت عید معظم قربان، پیام فرهنگی ما ایرانی‌ها را که بر اساس بینش اسلامی و تشیع شکل گرفته، جدی‌تر و مهم‌تر از قبل می‌کند و به‌نوعی ما را از روز عاشورا، در یک مسیر تاریخی عدالت‌خواهی نگه می‌دارد. حرکت سیدالشهدا (ع)، آغاز یک فرایند و حرکت عدالت‌خواهانه است که باید درس

آن در لایه‌های تاریخ گرفت. روز عرفه شروع مناسبی برای شرکت در این کلاس درس است و معلمی چون حسین (ع) به ما می‌آموزد که برای دفاع از عدالت، اخلاق و مبارزه با ظلم و تجاوز به حقوق انسان‌ها، راهی سخت و گاه جانفشانه در پیش داریم. مایه افتخار ایرانی‌هاست که فرهنگ عمومی و رسمی آنها، با ضربات گت چنین کلاس درسی هماهنگ شده است و تعلیمات این دستگاه در اختیار نسل‌های مختلف قرار دارد تا از آن بهره بچینند، اما باید مراقب بود.

پیام عرفه، پیام شناخت است؛ شناختی که مقدمه مجاهدت در راه حسین به حساب می‌آید. در احادیث، از روز عرفه به‌عنوان روز اعتراف انسان به گناهان خویش یاد می‌شود؛ روزی که انسان باید صبر و تحمل خود را برای ادامه مسیری درست بسنجد. این روز مقدمه‌ای است برای هر مسلمانی که می‌خواهد یک سال را با حسین و فرهنگ عاشورایی او سر کند و در این دستگاه پیام‌زود بندگی به رعایت اخلاق و فرهنگ قربانی و اندیشه‌های پاک و حق‌طلبانه است.

واکنش

آقای وزیر ۴۲۲ روز گذشت، ما منتظریم!



بهمن کیارستمی

در ماه‌های پایانی دولت اصلاحات و فضای باز موقتی مطبوعات و رسانه‌ها، نماینده یک شبکه بیگانه اسم‌وسرم‌دار به تهران آمده بود تا تأسیس دفتر ایران را بررسی و با خبرنگاران و مستندسازان ایرانی برای همکاری مذاکره کند. من هم که تازه فعالیت حرفه‌ای را آغاز کرده بودم در جلسه‌ای با موضوع بررسی همکاری شرکت کردم. در پایان جلسه کارت‌های ویزیت طرفین ردوبدل شد و شش‌هفتاد و یک روز بعد، بیگانه، توچوم را جلب کرد. گرچه آن زمان مفتونش شدم، اما بعد متوجه شدم عدم موفقیت رسانه مزبور در تأسیس دفتر تهران، نه به دلیل روی کارآمدن دولت احمدی‌نژاد، بلکه به خاطر تعریف متفاوت فعالیت رسانه‌های در این بخش از کره زمین بود. روی کارت با حروف درشت نوشته شده بود: It's a Factual World.

دوشنبه گذشت. در چهارصدوبیستمین روز مرگ عباس کیارستمی و پس از یک سال پیگیری مداوم پرونده پزشکی او، یادداشتی در روزنامه «شرق» از یک پزشک چاپ شد. این بخشی از یادداشت دکتر مقدس، متخصص قلبیه، است: «وقتی فردی توصیه پزشکان معالج را نادیده می‌گیرد و برخلاف توصیه‌ها، پدرش را به خارج از کشور می‌برد و در آنجا به دلیل خون‌ریزی مغزی ناشی از تزریق هیپریون با دوز بالا باعث فوت وی می‌شود، چه چیزی بهتر از قصور پزشکی می‌تواند با مکانیسم‌های دفاعی فراقطنی و واکنش‌سازی باعث کاهش آلام درونی وجدان فرد شود. چه بهانه‌ای بهتر از قصور پزشکی می‌تواند یک سال عرصه رسانه‌ها را فتح کند که از بزرگی غوغای رسانه‌های فرد به آرامش کاذب درونی برسد و بنیان کجی بگذارد که حتی قاتلان هم به آن دخیل بینند».

بعد از فوت کیارستمی مطالب بسیاری از این دست در صفحات مجازی پزشکان منتشر شد اما آنچه حیرتم را برانگیخت، چاپ این یادداشت در روزنامه «شرق» بود و بی‌توجهی این روزنامه به فکت‌هایی که مکرر و مفصل درباره این پرونده منتشر شده‌اند. پس نه در پاسخ به دکتر مقدس، بلکه در جهت اطلاع دوستانم در روزنامه «شرق»، مختصری از نتیجه پیگیری پرونده پزشکی عباس کیارستمی تا امروز را می‌نویسم و طبعاً مسئولیت انتشار آن بر عهده این جانب است: هیئت‌های کارشناسی هر دو سازمان نظام پزشکی و پزشکی قانونی، دکتر احمد میر، جراح معالج عباس کیارستمی را مقصر دانسته‌اند و کیفرخواستی که علیه دکتر احمد میر، جراح عمومی بیمارستان جم، صادر شده، برای رسیدگی به دادگاه رفته است. در همین حال بحث درباره درصد قصوری که سازمان پزشکی قانونی تعیین کرده همچنان به نتیجه نرسیده و در جلسه‌ای که در یازدهم مرداد در دفتر دکتر هاشمی و با حضور دکتر زالی، رئیس وقت سازمان نظام پزشکی، دکتر پایدار، دکتر زاغ‌نژاد، دکتر ایازی و آقای کیانیان و بنده برگزار شد. دکتر هاشمی اعلام کرد براساس آنچه در پیگیری از کارشناسان سازمان پزشکی قانونی شنیده، میزان قصور حداقل پنج درصد و حداکثر ۴۵ درصد بوده است. از جایی که ۵ و ۴۵ تنها دو عدد با مفهومی مهم‌اند، در آن جلسه دوباره درخواستمان را از سازمان تحت امر دکتر زالی مبنی بر ارائه گزارش پزشکی دقیق و مفصل مطرح کردیم. پاسخ دکتر زالی، رئیس وقت سازمان نظام پزشکی، عیناً نقل می‌شود: «ساختار قانونی سازمان نظام پزشکی به این شکل نیست، ما گزارش را تنها به مرجع قضائی ارائه می‌کنیم. با این که درخواست شما منطقی است اما ابزاری که ما برای رسیدگی به این پرونده‌ها داریم تنها ابزاری است که قانون در قالب مجازات انتظامی در اختیار ما گذاشته و ما موظف به ارائه گزارش نیستیم».

وقتی می‌شنویم که اطلاع از گزارش دقیق پزشکی و به عبارتی انتشار فکت‌ها ممکن نیست، متوجه می‌شویم که عدالت در سازمان نظام پزشکی غیرقابل تردید است و چون قضاوت عقل عمومی در مورد عدل و ظلم معتبر نیست، این سازمان فقط «مجازات» می‌کند و «گزارش» نمی‌دهد؛ عدلی که سربیزی از آن چنان عوقوبی در پی دارد که وزیر بهداشت را هم از عمل به وعده‌ای که در سیصدوشصت‌وپنجمین روز مرگ کیارستمی داد، بازداشته و تهیه گزارش پزشکی که قرار بود با کمک رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه ممکن شود را ناممکن کرده. عدلی که به دکتر مقدس امکان می‌دهد چنین بنویسد: «قصور پزشکی امکان وقوع دارد، ولی بررسی آن با کارشناسان پزشکی قانونی و نظام پزشکی است نه فضای مجازی و رسانه‌های زد... اکنون قصور پزشکی که قبل از بررسی‌های کارشناسی مطرح می‌شود، تبدیل به برجسی برای فراقطنی علت مرگ و پوشاندن علت اصلی مرگ، پنهان‌کردن غفلت بیمار یا خانواده در درمان بیماری و آدرس نادرست برای مرگی که به‌عزم بازماندگان قیح دارد، شده است؛ برجسب لوکسی که از اختراعات نازیبا جامعه ماست».

دکتر مقدس را نمی‌دانم، اما همکارانم در روزنامه «شرق» حتماً خوب می‌دانند که فکت، فکت است و تا به‌درستی ارائه نشود تعیین میزان زیایی، قیح، قیمت یا آدرسش ممکن نیست. در عین حال عدم ارائه آن، راه را برای فراقطنی و تقدس‌های هموار می‌کند و قانونی که سازمان نظام پزشکی را از ارائه گزارش منع کرده، در حقیقت فقط یک مسیر پیش پای بیمار و بازماندگانش گذاشته که «توسل» کردن به سازمان نظام پزشکی است. اما ابزاری کاراتر از ابزاری که «قانون» برای رسیدن به «عدل» در اختیار سازمان نظام پزشکی گذاشته، وجود دارد: فکت و دیگر هیچ. آقای دکتر هاشمی، ۴۲۲ روز گذشت و ما هنوز منتظریم.

از دون تیرگی زلید صواب
داند را آتش بدوخ بر ستاب

خانه محبت کجاست؟

با کمک شما خدمات رایگان ارائه می‌کنیم برای بیماران اعتیاد و دیگر نیازمندان ساکت جامعه

فعالیت‌ها:

- اهداء جهیزیه به نوجورسان بی‌بضاعت
- تهیه آذوقه، لباس و لوازم ضروری زندگی برای زنان و کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست
- پرداخت کمک‌هزینه مسکن اقشار مستمند
- پرداخت کمک‌هزینه درمان بیماران تهی‌دست
- پرداخت کمک‌هزینه تحصیل دانش‌آموزان و دانشجویان بی‌بضاعت

حمایت از افراد کارتن خواب

لطفاً در صورت امکان معرفی مکان نگهداری از افراد کارتن خواب و سالمند با ما تماس بگیرید.

همچنین می‌توانید افراد نیازمند در زمینه‌های فوق را به ما معرفی کنید.

برای ارسال هدایای غیر نقدی از قبیل آذوقه، لباس و ... نیز با ما تماس بگیرید.

بانک ملی به نام موسسه خیریه فرشتگان خانه محبت، ۶۰۳۷ ۹۹۱۸ ۹۹۸۸ ۹۷۵۶

تلفن: ۹ و ۸۸۹۴۹۶۶۸
آدرس: خیابان ویلا، نبش ورشو، کوچه هشتم، پلاک ۶، طبقه ۴



موسسه خیریه فرشتگان خانه محبت
تحت نظارت سازمان بهزیستی استان تهران
شماره ثبت ۴۰۹۲۴

khanemohabbat

پیشنهاد

تبدیل فکر به کلمه



سپهیل محمودی

دخترک با پیراهن گلدار / رها در باد / پروانه‌ها به دنبالش.
تبدیل فکر و اندیشه به کلمه و تصویر، دو جهان و دو دنیای متفاوت را می‌طلبد. فکر وقتی به کلمه تبدیل می‌شود، با تخیل می‌آمیزد و البته هنوز می‌تواند خیال‌انگیز هم باشد. اما وقتی این فکر و کشف و دریافت به کلمه تبدیل شد و دست‌مایه تصویر رنگ و حجم و هندسه واقع شد، به نوعی کمال‌یافتگی رسیده و مراتب و مدارجی والا و اوج‌گونه را در تخیل به دست آورده است. اگرچه مقام تخیل را نهایت و انتهایی نیست، اما نقاش و تصویرگر می‌تواند دست‌تورا گرفته و تا دنیایی دوردست و دست‌نیافتنی برسد. نگارگران گذشته ما در تصویر آنچه در شعر ما می‌گذشته این‌گونه رفتار کرده‌اند. در روزگار معاصر و یک قرن اخیر که نگارگری ما جامه عوض کرده و لباس نقاشی به بر کرده، حس و وسوسه ادبیات از دل و جان نقاش دست برداشته است. مثلاً نقاش نامدار روزگار ما، زنده‌یاد الحاص که سابقه دوستی‌اش با نیما و جلال‌آل احمد او را با ادبیات بیش از دیگر هم‌گنانش پیوند داده بود، به ادبیات داستانی معاصر توجه جدی داشت.

یا یگانه‌ترین نام در گرافیک صد سال اخیر ایران؛ زنده‌یاد مرتضی ممیز. او در سال‌های نخستین دهه ۴۰ در کتاب هفته با طراحی‌هایش، داستان‌های ایرانی و ترجمه‌های داستانی را خواندنی‌تر، دیدنی و خیال‌آمیتر کرده بود. دوست جوان من، نقاش سخت‌کوش، خانم مهری سیاوشی، دل‌داده شعر و ادبیات است. شاهنامه حکیم

توس و خسته حکیم گنجه و مثنوی عارف رومی بسیار از او دل برده است. صدها و صدها بیت از این آثار را سیاوشی در حافظه شگفت خود دارد. باری یکی از دغدغه‌ها و رویکردهای این نقاش تلاشگر امروز آن بوده که در بیش از یک سال با سه مجموعه از هایکوواره‌های من در کنجی نشست و با قلم خود طرح و تصویر زد. مجموعه هایکوواره‌های من با عنوان:

رؤیای درخت ریشه‌دار است. بهار ادامه پیراهن توست. حالا هر دو تهاییم.
و مجلد چهارم که در دست اقدام برای چاپ است، دست‌مایه مهری سیاوشی بود برای تصویرگری و نقاشی. سیاوشی ۲۰ قطعه از این آثار خود را با عنوان (پیراهن گلدار) در روز جمعه، دهم شهریور در گالری فردا به نمایش می‌گذارد و این اتفاق تا یک هفته تداوم دارد. اصحاب فرهنگ و ادبیات و هنر و نقاشی روز جمعه در گالری فردا به دیدار آثار مهری سیاوشی خواهند آمد که هایکوواره‌های ایرانی را از زاویه دید خود نقش و طرح زده است؛ نقشی دیدنی و قابل‌تحسین.

